

تو را برای خودت مخواستهم؟! www.ketab.ir

قصه سه نامه ای که برای تو نوشتم

تو را برای خودت می‌خواهم؟!

نویسنده: محسن عباسی ولدی
 ویراستار و مشاور ادبی: زهیر توکلی
 تصاویر و طراح جلد: سیده معصومه حسینی
 صفحه‌آرایی: گروه هنری کانون آیین فطرت توحیدی
 ناشر: آیین فطرت
 لیتوگرافی، چاپ و جفای: عمران
 نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۴۰۳
 شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه
 قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان
 هماهنگی بخش: ۰۹۱۰۵۸۵۶۳۱۱
 سامانه پیامکی ناشر: ۳۰۰۰۱۵۱۵۱۰

با خرید اینترنتی از سایت «کتاب فطرت»
 یا ارسال نام کتاب به سامانه پیامکی،
 کتاب را در منزل تحویل بگیرید:
www.ketabefetrat.ir



کلیه حقوق محفوظ است.

سرشناسه: عباسی ولدی، محسن (۱۳۸۰)
 عنوان و نام پدیدآور: تو را برای خودت می‌خواهم؟! : قصه سه نامه‌ای که برای تو نوشتم / نویسنده محسن عباسی ولدی؛ ویراستار و مشاور ادبی زهیر توکلی. مشخصات نشر: قم: انتشارات آیین فطرت، ۱۴۰۳. مشخصات ظاهری: ۴۸ ص. : مصور (رنگی). شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۳۱-۸۶-۴ موضوع: فهرست نویسی: فیبا عنوان دیگر: قصه سه نامه‌ای که برای تو نوشتم. موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- عریضه‌ها MUHAMMAD IBN HASAN, IMAM: موضوع: XII -- PETITIONS موضوع: نامه‌های فارسی -- قرن ۱۴ ۲۰TH CENTURY -- PERSIAN LETTERS مهدویت -- انتظار MAHDISM -- *WAITING رده بندی کنگره: BP۵۷/۳۵: [PIR۸۱۴۸] رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: ۹۹۵۳۸۷۲

جمعه‌ها یکی یکی گذشت و چشم‌تان روشن به جمال او نشد، اما ناامید
نشدید.

هر صبح جمعه ندبه خواندید و صدایش زدید و جوانی نشنیدید، اما
ناامید نشدید.

همیشه خانه‌تان آب و جارو زده، مویی پذیرایی از او بود، آرزوی
میزبانی‌اش به دلتان ماند، اما ناامید نشدید.

پای عشقتش طعنه شنیدید از این و آن و طرد شدید از این جا و آن
جا، اما ناامید نشدید.

نذر سلامتی‌اش هر روز صدقه دادید، برای آمدنش روزه گرفتید، روضه
فراقش را خواندید و غیره، اما ناامید نشدید.

ملک الموت به سراختان آمد، اما مویی به سراختان نیامد؛ زیرا
امید داشتید که وقتی او بیاید، شما برمی‌گردید.

از دنیا رفتید و در آن سو هنوز هم امیدوارید و چشم دوخته‌اید به
آمدنش و دل بسته‌اید به بازگشتان.

عشق و امید و انتظار در دنیای واژه‌ها معنایشان را می‌یون شما
هستند.

تقدیم به منتظران پرکشیده مهدی موعود علیه السلام

www.ketab.ir

حکایت این نامه‌ها، حکایت غربت امام است در میان ما. می‌خواستم مقدمه‌ای بر این کتاب بنویسم، دیدم هر کدام از نامه‌ها خودش مقدمه‌ای است برای نامه بعدی؛ ولی بعد از سه نامه، دلم آرام نشد. پس، بعد از نامه‌ها متن دیگری نوشتم تا حرف دلم را شفاف‌تر بیان کند. از خدا می‌خواهم که این نامه‌ها مقدمه‌ای باشد برای یک زندگی جدید که شبانه‌روزش بر مدار محبت و معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه بچرخد.